

## \* تنباکو در ایران \*

\*\*

رودی متی

\*\*\*

مترجمان: حسن زندیه

\*\*\*\*

فاطمه عباسی

### چکیده

تنباکو از جمله محصولات وارداتی است که در حیات فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایرانیان تأثیرگذار بوده است. در مورد کم و کیف ورود آن به ایران، چگونگی شیوع و مصرف این محصول، اختلاف نظرهایی وجود دارد که در این زمینه تحقیقات متعددی صورت گرفته است. مقاله حاضر نیز بر آن است تا با اتکا به اسناد، گزارش صحیح و دقیقی از آن ارائه دهد. شاید هیچ یک از محصولات کشاورزی به اندازه تنباکو در تاریخ معاصر ایران حائز اهمیت نبوده است. قرارداد انحصاری رژی، فتوای معروف میرزای شیرزای، خیزش و قیام عمومی بر ضد رژی که باید آن را مهم‌ترین حرکت در قبال دستگاه استبدادی قاجاریه تا پیش از انقلاب مشروطیت دانست، ناظر به همین معناست. امید اینکه مقاله حاضر بتواند مقدمه‌ای برای مطالعات بیشتر در این زمینه باشد.

کلیدواژه‌ها: ایران، تنباکو، قلیان، صفوی، شاه عباس اول.

\* این مقاله تحت عنوان Tobacco in Iran اثر Rudi Matthee بخشی از کتاب Smoke (A Global

History of Smoking) است که Reaktion Books Ltd آن را در سال ۲۰۰۴ منتشر کرده است.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۲/۲۵. تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۴/۲۶.

\*\* استاد تاریخ تجارت دوره صفویه و قاجار دانشگاه دلوآر آمریکا.

\*\*\* استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران. E-mail: Hasan\_zandieh@yahoo.com

\*\*\*\* دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته تاریخ ایران دوره اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

به دنبال کشف قاره آمریکا توسط اروپاییان، تنباکو برای اولین بار در دوره حکومت صفوی (۱۷۲۲ - ۱۵۰۱ م.) به ایران وارد شد؛ اگرچه مبدأ انتقال و توزیع آن نامشخص است. برخی بر این باورند که ایرانیان، استعمال دخانیات را طی جنگ صفویه و عثمانی در سال ۱۶۰۹ م، از عثمانی‌ها آموختند. هنگامی که شاه عباس اول مطلع شد سربازانش بیشتر موجب خود را صرف خرید تنباکو می‌کنند، مصرف آن را ممنوع کرد و بینی و لب‌های خاطیان از این فرمان را برید. این موضوع را سیاح آلمانی، آدام/ولناریوس (Adam Olearius)، که در دوران سلطنت شاه صفی، جانشین شاه عباس اول، از ایران دیدار کرد، تأیید کرده است.<sup>۱</sup> البته اولناریوس رواج تنباکو را به این شیوه بیان نمی‌کند. متأسفانه گزارش‌های معدودی از شواهد عینی مبنی بر استفاده واقعی تنباکو طی حکومت شاه عباس اول وجود دارد و نخستین مدرک در این زمینه، به قلم فرستاده سیاسی اسپانیایی دن گارسیا دی سیلوا/فیگوئرا (Don Garcia y Silva de Figueroa) در سال ۱۶۱۷ م، ثبت شده است.<sup>۲</sup>

ممکن است ادعای مخزن/الادویه، فرهنگ داروشناسی ایران در قرن هجدهم، که پرتغالی‌ها معرف تنباکو بودند، صحت داشته باشد.<sup>۳</sup> علی الظاهر، قدیمی‌ترین ذکری که در ادبیات فارسی به میان آمده، این رباعی از/هلی شیرازی متوفی ۹۴۲ هـ است:

قلیان ز لب تو بهره‌ور می‌گردد      نی در دهن تو نیشکر می‌گردد  
بر گرد رخ تو دود تنباکو نیست      ابریست که بر گرد قمر می‌گردد<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> Adam Olearius, *Neue Beschreibung der Muscowitischen und Persischen Reyse* (Schleswig. 1656: facsimile reprint, Tübingen, 1971), p. 645: Egon Caesar Corti, *A History of Smoking*, trans, Paul England (London, 1931), p. 144.

<sup>۲</sup> Garcia de Silva y Figueroa, *Comentarios de D. Garcia de Silva y Figueroa de la embajada que de parte del rey de Espana Don Felipe III hizo al rey xa Abas de Persia*, 2 vols (Madrid, 1903), vol. II, p. 403: see also Thomas Herbert. *Travels in Persia*, 1627-29, ed. and abridged by William Foster (London, 1928), p. 261.

<sup>۳</sup> عقیلی خراسانی، مخزن/الادویه، تهران: ۲۵۳۵ شاهنشاهی، ص ۲۷۵.

<sup>۴</sup> حسن سمسار، «نظری به پیدایش قلیان و چپق در ایران»، هنر و مردم، ش ۱۷، ۱۳۴۲، ۱۹۶۳ م. صص ۱۴-۲۵.  
'L'Apparition du narghileh et de la chibouque', *Objets et Mondes*, XI (1971), p. 84.

تاریخ فرضی این شعر (پیش از سال ۱۵۳۶م)، فقدان منابع دیگر درباره تنباکو در ایران تا نیم قرن بعد و اشاره‌هایی از این دست که تا قبل از سال ۱۶۰۰م تنباکو در هیچ جای آسیا رواج نیافته بود، صحت این شعر را با تردید مواجه می‌سازد، گرچه در اینکه پرتغالی‌ها مسبب آوردن دخانیات به ایران بودند، شکی وجود ندارد.<sup>۱</sup>

قلیان، رایج‌ترین ابزار استعمال دخانیات در ایران است که در فارسی «قلیان»، در هندی «حقه» (کوزه، ظرف) و در سرزمین‌های عربی «نارگیله» یا «شیشه» نامیده می‌شود. غالباً تصوّر می‌شود که قلیان، ابداع ایرانی‌ها بوده و از آنجا در خاورمیانه رواج یافته است.<sup>۲</sup> صرف نظر از این واقعیت که قلیان به مرور زمان در ایران رواج فوق‌العاده‌ای یافت، شواهد اندکی دالّ بر اینکه خاستگاه قلیان ایران باشد، وجود دارد.<sup>۳</sup> براساس ریشه‌شناسی و صورت ظاهری، محتمل است که قلیان ابتدا در هند پدید آمده باشد. واژه قلیان ریشه ایرانی ندارد؛ زیرا از واژه «غلیان» مشتق شده، که به نوبه خود از فعل عربی «غَلَى» به معنی جوشیدن یا قلقل کردن اشتقاق یافته است. قلیان اولیه ابزار ساده‌ای بود، متشکل از یک نارگیل توخالی که یک نی صاف (بامبو) به درون آن فرو رفته بود تا دود تنباکو از میان آن تصفیه شود.<sup>۴</sup> این نوع قلیان، تا مدت‌های طولانی و به

<sup>۱</sup> گفته می‌شود که تنباکو در سال ۹۱۴ ه. ق. ۱۵۰۸-۹م به هند برده شد، اگرچه در دوره سلطنت سلطان اکبر (۱۶۰۵-۱۵۵۶ م.) متداول نگردید. ر.ک: Sahba'i Dahlavi, *Shar-i Mina Bazar* (Kanpur, 1903), p.105.

<sup>۲</sup> Shahnaz Razpush, 'Galiān', *Encyclopædia Iranica* (2000), vol. X, p. 263; Jakob Tanner, 'Rauchzeichen: Zur Geschichte von Tabak und Hanf', in *Tabakfragen: Rauchen aus kulturwissenschaftlicher Sicht*, ed. Thomas Hengartner and Christoph Maria Merki (Zurich, 1996), p. 23.

<sup>۳</sup> لذا در اوایل قرن نوزدهم پرین، مسافر فرانسوی، می‌نویسد که افغان‌ها تقریباً به اندازه ایرانیان به قلیان معتاد نبودند. ر.ک:

N. Perrin, *L'Afghanistan: ou. description géographique du pays théâtre de la guerre* (Paris. 1842), p. 128.

<sup>۴</sup> تمامی تصاویر اولیه قلیان، این نی صاف را نشان می‌دهند، به عنوان مثال، ر.ک:

The drawings in Johann Neander. *Tabacologia medico-cheirurgico pharmaceutica* (Leiden. 1622), p. 247; Jean Chardin. *Voyages du chevalier Chardin en Perse, et autres lieux de l'Orient*, 10 vols and atlas (Paris, 1810-11), atlas, plate XIX: Bedros→

یک شکل، مورد استفاده مردم فقیر جنوب ایران و هند بود. کلمه نارگیله که در سانسکریت به معنی نارگیل است، به این منشأ بازمی‌گردد.<sup>۱</sup> از آنجایی که نارگیل، بومی ایران نیست، بلکه در جنوب هند پرورش می‌یابد، واضح است که سرچشمهٔ قلیان از شبه‌قاره است، جایی که گفته می‌شود یک پزشک ایرانی<sup>۲</sup> برای اولین بار آن را مورد استفاده قرار داده است.<sup>۳</sup>

نکتهٔ پایانی این بخش، مربوط به توسعهٔ بیشتر قلیان است. تصویر قلیان ایرانی در جزوهٔ تنباکوشناسی، نخستین جزوهٔ اروپایی دربارهٔ تنباکو، درج شده است که، جان نیندر (Johann Neander) در سال ۱۶۲۲م در هلند به چاپ رسانده است.<sup>۴</sup> برخلاف آنچه انتظار می‌رود، این تصاویر، دستگاهی خالی از ظرافت و ابتدایی را که از پوست نارگیل ساخته شده باشند، نشان نمی‌دهند، بلکه ابزارهای بسیار ظریف و پیچیده‌ای را به نمایش می‌گذارند. این صنعتگری سرشار از کیفیت، حاکی از روند نسبتاً طولانی پیشرفت فنی و ظرافت هنری است؛ لذا ممکن است تأییدی بر ارجاع شعر ابتدای متن باشد. در مجموع، احتمالاً ایران عصر صفوی یکی از نخستین جوامع خارج از دنیای جدید و شبه‌جزیرهٔ ایبریا بوده که در آن، تنباکو شیوع یافته و به یک کالای عادی مصرفی تبدیل شده است.

←Bedik, *Chehil sutun, seu explicatio utriusque celeberrimi, ac pretiosissimi theatri quadraginta columnarum in Perside orientis* (Vienna, 16-8), p. 288.

این موضوع ادعای یک منبع ایرانی را که لولهٔ حلقوی طیّ حکومت شاه سلطان حسین (۱۷۲-۱۶۹۴م) ابداع شد، تقویت می‌کند. ر.ک: محمد محسن مستوفی، *زبدهٔ التواریخ*، تصحیح بهروز گودرزی، تهران: ۱۳۷۵ شمسی، ص ۱۳۸.

<sup>۱</sup> ابراهیم پورداوود، *هرمزد نامه*، تهران: ۱۳۳۱ شمسی، ص ۲۰۸.

<sup>۲</sup> ابوالفتح گیلانی، پزشک ایرانی، در دهلی و در زمان سلطنت اکبر شاه (۹۶۴ - ۱۰۱۴هـ) برای اولین بار جهت تصفیه و خنک ساختن دود این ماده، آن را از ظرف آبی عبور داد و به این ترتیب، قلیان را اختراع کرد. ر.ک: سیریل الگود، *طب در دورهٔ صفویه*، ترجمهٔ محسن جاویدان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۷، ص ۴۹ (مترجم).

<sup>۳</sup> C. Elgood, *Safavid Medical Practice* (London, 1970), p. 41.

<sup>۴</sup> Neander, *Tabacologia*, pp. 247, 249.

## ابعاد اجتماعی و محبوبیت تنباکو

پذیرش اشاعه اولیه تنباکو در ایران، تفسیر بسیاری از منابع، مبنی بر محبوبیت عجیب تنباکو در این کشور را تا نیمه قرن هفدهم، میسر می‌سازد. هانیریش فون پوزر (Heinrich von Poser) سیاح آلمانی که در سال ۱۶۲۱م از قندهار دیدن کرده است، درباره استعمال بی‌رویه تنباکو صحبت می‌کند.<sup>۱</sup> پانزده سال بعد، اولناریوس روایت می‌کند که همه طبقات ایرانی از استعمال تنباکو لذت بسیار زیادی می‌بردند، تا جایی که آن را همه‌جا حتی در مساجد نیز استعمال می‌کردند. در آن زمان، هنوز تنباکو به کشور وارد می‌شد. واژه «تنباکوی انگلیسی» به واردات آن توسط انگلیسی‌ها در اوایل قرن هفدهم اشاره می‌کند. ایران معمولاً مقادیری تنباکوی نامرغوب نیز از امپراتوری عثمانی و هند دریافت می‌کرد.<sup>۲</sup> تا نیمه دهه ۱۶۰۰م واردات خارجی، عمدتاً به پایان رسیده بود و تنباکو، به محصولی صادراتی که در سراسر ایران کشت می‌شد، تبدیل گشت. تنباکوی مرغوب که برای قلیان مورد استفاده قرار می‌گرفت، در بخش‌های جنوب مرکزی کشور، کشت می‌شد و مرغوب‌ترین تنباکو، در اطراف اصفهان و فارس یافت می‌شد؛ در حالی که «توتون» یعنی تنباکوی مرغوب‌تر که برای چپق استفاده می‌شد، در مناطق غربی، کشت می‌شد.<sup>۳</sup> ایران خیلی زود تنباکوی کشت داخلی‌اش را به هند و عثمانی صادر کرد.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> Heinrich von Poser, *Tage Buch seiner Reise von Konstantinopel aus durch Bulgarey, Armenien, Persien und Indien* (jena, 1675).

<sup>۲</sup> Olearius, *Neue Beschreibung*, p. 597; Chardin, *Voyages du chevalier Chardin*, vol. III, p. 302; Thomas Herbert. *Some Years Travel into Divers Parts of Asia and Afrique* (London, 1638), p. 198.

H. Dunlop, ed., *Bronnen tot de geschiedenis der Oostindische Compagnie in Perzie, 1611-1638* (The Hague, 1930), pp. 35, 176.

<sup>۳</sup> Ange de St Joseph, *Souvenirs de la Perse et autres lieux de l'Orient* (1664-1678), ed. Michel Bastiaensen (Brussels, 1985), pp. 103-5; John Fryer. *A New Account of East India and Persia, Being Nine Years' Travels, 1672-1681*, ed. W. Crooke. 3 vols (London, 1909-15), vol. II, p. 228.

<sup>۴</sup> Chardin, *Voyages du chevalier Chardin*. vol. III, p. 302; vol. IV, pp. 165-6.

محبوبیت این گیاه، تا نیمه قرن هفدهم به حدی رسیده بود که سربازان ایرانی، قلیان‌هایشان را طی لشکرکشی‌ها، و مسافران، طی سفرهایشان همراه خود می‌بردند.<sup>۱</sup> سیاح فرانسوی، ژان بابتیست تاورنیه (Jean Baptiste Tavernier) خاطر نشان کرد که اکثر ایرانیان ترجیح می‌دادند که از نان صرف نظر کنند تا تنباکو. همچنین اولین کار آنها در ماه رمضان به هنگام افطار، روشن کردن چپق‌هایشان بود.<sup>۲</sup> جان فریر (John Fryer) انگلیسی نیز بر همین باور است، زمانی که می‌گوید اگر فقرا از مال دنیا فقط یک پنی داشته باشند، نیمی از آن را صرف خرید نان و کشمش یا شیر چرخ کرده و نیم دیگر را صرف خرید گرت (کوکائین) و تنباکو می‌کنند.<sup>۳</sup> علاوه بر این، کورنلی دی بربریان (Cornelis de Bruyn) هلندی که در سال ۱۷۰۳-۴م از ایران دیدن کرده است، تأکید می‌کند که تنباکو، غذای خوردنی اصلی<sup>۴</sup> و سرگرمی ایرانیان بود.<sup>۵</sup> به نظر می‌رسد که قلیان‌خانه، احتمالاً مترادف با قهوه‌خانه، مشخصه متعارف شهرهای ایران در اواخر دوره صفوی بوده است. انگلبرت کمپفر (Engelbert Kaempfer) زمانی که از رشت، پایتخت ایالت شمالی گیلان در سال ۱۶۸۳م عبور می‌کرد، گزارش می‌کند که از هر سه یا به

<sup>۱</sup> Sr Poulet, *Nouvelles relations du Levant... Avec une exacte description... du royaume de Perse*, 2 vols (Paris, 1668), vol. II, pp. 328-9.

یک بازدید کننده از ایران اوایل قرن نوزدهم، اظهار می‌دارد کسانی که در سپاه، تنباکو استعمال می‌کردند، توسط حاملان چوب نیم سوز تعقیب می‌شدند، که خود برای آرام کردن یک سپاه کوچک کفایت می‌کردند. ر.ک: Moritz von Kotzebue, *Narrative of a journey into Persia in the Suite of the Imperial Russian Embassy in the Year 1817* (London, 1819), pp. 142-3.

<sup>۲</sup> Jean-Baptiste Tavernier, *Les six voyages de Jean-Bapt. Tavernier en Turquie. en Perse et aux Indes*, 2 vols (Utrecht. 1712), pp. 598-9.

<sup>۳</sup> Fryer, *A New Account of East India and Persia*. vol. II, p. 248.

<sup>۴</sup> با رواج تنباکو در آسیا و اروپا، افغالی که برای قلیان و چپق و سیگار به کار می‌رفت، متفاوت بود: دود کردن، نوشیدن، کشیدن و خوردن. الثاریوس در همه‌جای سیاحت‌نامه خود از فعل نوشیدن استفاده کرده است. در زبان‌های عربی، ترکی عثمانی، هندی و اردو و در زبان چینی از فعل نوشیدن استفاده می‌شود. در زبان بنگالی فعل خوردن به کار می‌رود و در زبان‌های دراویدی و روسی، فعل کشیدن رایج است. پورداوود، ابراهیم، *هرمزنامه*، تهران: ۱۳۳۱، ص ۲۱۲ (مترجم).

<sup>۵</sup> Cornelis De Bruyn, *Reizen over Moskovie, door Persie en Indie* (Amsterdam, 1714), p. 137.

طور قطعی چهار خانه، یکی قهوه‌خانه است که در آنها صدای خطیبان و نیز گدایان به گوش می‌رسد. در بسیاری از شهرها، قهوه‌خانه‌ها در مرکز شهر قرار داشتند و اغلب در کنار میدان اصلی واقع می‌شدند.<sup>۱</sup> علاوه بر قهوه‌خانه‌ها و تنباکوخانه‌ها، تعداد زیادی مغازه به نام دکان «تنباکوفروشی» وجود داشت، که در آنجا به رهگذران تنباکو فروخته می‌شد.<sup>۲</sup> به علاوه به نظر می‌رسد که ایران در زمینه همگانی کردن کامل تنباکو و استعمال آن در بافت جامعه و تبدیل آن به یک کالای مصرفی عام، چند دهه از اروپا جلوتر بوده است.

مسئله پذیرش سریع استعمال تنباکو در ایران، هنگامی که درباره سایر داروهای محرک بررسی شود، تسهیل می‌شود. تلاش برای یافتن رابطه تصادفی میان پذیرش سریع تنباکو و رواج تقریباً همزمان قهوه در ایران، وسوسه‌انگیز است. کافئین در بدن مصرف‌کنندگان تنباکو بسیار سریع‌تر از دیگران تجزیه و مصرف می‌شود؛ بنابراین، آنها به میزان قهوه بیشتری برای دریافت تأثیر مشابه نیاز دارند.<sup>۳</sup> هر چند تلقی یکی به عنوان حامل دیگری در جهت تلاش برای تبیین سرعت این فرایند، صرفاً بدیهی پنداشتن موضوع است. از آنجایی که تنباکو آرام‌بخش و قهوه، محرک بود، هر دو از ملزومات زندگی در ایران شدند.<sup>۴</sup> یک ضرب‌المثل ایرانی می‌گوید: «قهوه بدون تنباکو

<sup>۱</sup> Engelbert Kaempfer. *Die Reisetagebücher Engelbert Kaempfers*, ed. Karl Meier-lemgo (Wiesbaden. 1968), pp. 65, 77-8.

<sup>۲</sup> Du Mans, 'Estars de 1660', in Francis Richard, Raphael du Mans *missionnaire en Perse au XVII es.*, 2 vols (Paris, 1995), vol. II, p. 104.

واژه دکان تنباکوفروشی در وقف‌نامه‌ای که شاه سلطان حسین در سال ۱۱۱۸ ه.ق. صادر کرده، آمده است که شامل بسیاری از مغازه‌ها، کارگاه‌های هنری و مغازه‌های تنباکوفروشی می‌شد، که در اصفهان وقف شده‌اند، ن.ک:

سید حسین امیدیان، «نگاهی به یک وقف‌نامه تاریخی از دوره صفویه»، گنجینه/اسناد، ش ۲۱-۲۲، ۱۳۷۵ شمسی، ص ۲۳.

<sup>۳</sup> David T. Courtwright. *Force of Habit: Drugs and the Making of the Modern World* (Cambridge. MA. 2001), p. 20.

<sup>۴</sup> Wolfgang Schivelbusch. 'Die trockene Trunkenheit des Tabaks' in G. Volger, Rausch und Realität: Drogen im Kulturvergleich. 2vols (Cologne. 1981).vol. I.pp. 216-23.

شبهه سوپ بدون نمک است.<sup>۱</sup> اما هیچ دلیل واقعی وجود ندارد که چرا باید وضعیت این‌گونه باشد. پذیرش کامل و سریع تنباکو توسط ایرانیان را احتمالاً می‌توان به عنوان شکلی از همگرایی و ترکیب روندی متناوب از مواد روان‌گردانی که از قبل وجود داشتند، تعبیر کرد. برخی از این مواد، مدت‌ها پیش از رواج تنباکو به طور گسترده در ایران مصرف شده بودند. در میان این مواد، تریاک، نمونه خوبی از مواد ترکیبی است که بعد از اشاعه استعمال تنباکو، رواج یافته است؛ زیرا پیش از قرن نوزدهم، تریاک به جای اینکه کشیده شود، خورده می‌شد. این امر در مورد «بنگ» یا «حشیش»، ماده نشئه‌کننده‌ای که دیر زمانی برای ایرانیان شناخته شده بود و مصرف متداول آن احتمالاً پذیرش تنباکو را آسان کرده بود، مصداق ندارد.<sup>۲</sup> تنباکو و حشیش مکمل هم هستند و در ایران، به مدت طولانی با هم استعمال می‌شدند.<sup>۳</sup> گرچه برای نشان دادن ارتباط میان تنباکو و حشیش، این موضوع که قبل از رواج تنباکو از قلیان برای کشیدن حشیش استفاده می‌شده، به اثبات نرسیده است. لذا این موضوع احتمال اختراع بی‌مقدمه قلیان در جهان اسلام را مورد تردید قرار می‌دهد.<sup>۴</sup> پذیرش این ایده که قلیان، اعم از اینکه خاستگاه آن ایران باشد یا هند، اختراعی بدیع بود، کاملاً محتمل است. همچنین بحث بر سر اینکه پذیرش سریع تنباکو و تحوّل همزمان و تکامل قلیان به دنبال فرایند ادغام عادات مرسوم و عادات جدید مصرف مواد توهم‌زا بوده است، امکان‌پذیر است. در این

<sup>۱</sup> In Sir William Ouseley, *Travels in Various Countries of East* (London, 1819), p. 341.

<sup>۲</sup> منابع اولیه درباره حشیش، حاکی از این دارند که در قرون وسطی، حشیش بیشتر به شکل جامد مصرف می‌شده است تا اینکه کشیده شود، ن.ک:

Franz Rosenthal, *The Herb: Hashish versus Medieval Muslim Society* (Leiden. 1971) pp. 64-5.

<sup>۳</sup> Courtwright, *Force of Habit*, p. 105.

<sup>۴</sup> Berthold Laufer, *Tobacco and its Use in Asia* (Chicago, 1924), p. 271, Jordan Goodman, *Tobacco in History: The Culture of Dependence* (London and New York, 1993), p. 88.

صورت بحث بر سر این موضوع که حشیش همیشه از طریق قلیان کشیده می‌شده، بی‌فایده است. مصرف همزمان تنباکو و حشیش در قرن هفدهم صرفاً این فرضیه را تقویت می‌کند.<sup>۱</sup> لذا فرایر در ۱۶۷۰م خاطر نشان کرد که ایرانیان «هرگز بدون برگ‌های بنگ نشئه‌کننده و گیاهان مشابه که با تنباکوپشان مخلوط می‌کردند، چپق نمی‌کشیدند».<sup>۲</sup>

برخلاف شرایط برخی کشورهای اروپای غربی، که طبقات اجتماعی متفاوت به شکل‌های گوناگون استعمال تنباکو گرایش داشتند، تمایزات طبقاتی در ایران، خود را کمتر در انتخاب شیوه‌های مختلف استعمال تنباکو نشان داد، بلکه بیشتر در میزان تکامل و تزئین وسایل مورد استفاده، زرق و برق تشریفات جانبی و آداب و رسوم اجتماعی خاص تفریح و سرگرمی نمودار گردید که به لحاظ ماهیتی، اجتماعی بود، نه فردی. سالخوردگان، فقرا، اغنیا، اشراف‌زادگان و عوام، همگی با هیجانی مشابه در استعمال این مواد، افراط می‌کردند.<sup>۳</sup> با این حال، قلیان فقرا از پوسته نارگیل یا کدوی قلیانی (قبق) ساخته می‌شد.<sup>۴</sup> در مقابل، قلیان اغنیا از ظروف بلوری منقش یا طلا و نقره قلم‌کاری شده ساخته شده بود. نمونه‌های به جا مانده حاکی از این است که، خاستگاه

<sup>۱</sup> برای این فرضیه که استعمال قلیان و حشیش در ابتدا با هم ارتباط داشتند، ن.ک:

Carl Hartwich, *Die menschliche Genussmittel* (Leipzig, 1911), p. 231, quoted in Tanner, 'Rauchzeichen', p. 24.

<sup>۲</sup> Fryer, *A New Account of East India and Persia*, vol. III, pp. 99-100.

طبق روایت دومانس و تاورنیه، ازبکان به ایرانیان یاد دادند که تنباکو را با حشیش مخلوط کنند، ن.ک:

Richard, 'Estas et memoire', vol. II, p. 104; and Tavernier, *Les six voyages*, vol. I, pp. 716-17.

<sup>۳</sup> Du Mans, 'Estats de 1660', vol. II, p. 106; Neander, *Tabacologia*, p. 247.

<sup>۴</sup> Olearius, *Neue Beschreibung*, p. 597; and Ambrosio Bembo, 'Viaggio e Giornale per parte dell' Asia di quattro anni incirca fatto da me Ambrosio Bembo Nob. Veneto', MS James Ford Bell Library, University of Minnesota, Minneapolis, fol. 244.

ادوارد ایوز به قلیان‌هایی اشاره می‌کند که از پوسته نارگیل و نی بامبو ساخته شده و در جزیره خارک در سال

۱۷۵۸م مورد استفاده بوده‌اند. ن.ک: Ives, *A Voyage from England to India*. p. 224.

قلیان، خواه ایران باشد یا هند، اوج طراحي و پیچیدگی آن متعلق به ایران است.<sup>۱</sup> مردم طبقات بالای جامعه، همچنین به استخدام قلیان‌دار، یا حمل‌کننده قلیان، مبادرت می‌ورزیدند که این افراد، سوار بر اسب، تجهیزات متعدّد مورد نیاز قلیان کشیدن مخدومان خود را حمل می‌کردند.<sup>۲</sup> این پدیده به طور اتفاقی باعث بروز تمایز بیشتر در لایه‌ها و صفوف مذهبی و اجتماعی شد، به طور مثال در زمان صفویه، مسیحیان ارمنی از داشتن وسایل استعمال تنباکو منع شدند، لذا این وسائل، پشت سر آنها حمل می‌شد.<sup>۳</sup> در دوره قاجار (۱۷۹۶-۱۹۲۵م) نیز ثروتمندان به همین شکل پیشخدمتی را استخدام می‌کردند که تنها وظیفه او تمیز کردن، حمل کردن، روشن کردن و دوباره چاق کردن قلیان بود.<sup>۴</sup> نوع مشابهی از این تمایز طبقاتی را می‌توان در مورد چپق معمولی استعمال تنباکو مشاهده کرد. کشیدن خشک توتون و تنباکو در ایران از طریق چپق‌های پایه بلند با کاسه کوچک انجام می‌شد که کاملاً شبیه چپق‌هایی بودند که در انگلیس و هلند مورد استفاده قرار می‌گرفت. این چپق‌ها که اساساً از خاک رُس ساخته می‌شدند و در ترکیه و ایران به «چپق» یا «چاپوق» معروف بودند، هم خانواده کلمه

<sup>۱</sup> Neander, *Tabacologia*. p. 247.

فیگوئرا به قلیان‌هایی از جنس طلا در دربار شاه عباس اشاره می‌کند، فرستادگان مختلف خارجی، طی بازدید از دربار شاه سلطان حسین، به استفاده از این قلیان‌ها دعوت می‌شدند. ن.ک:

Silva y Figueroa, *Comentarios*, vol. II, p. 403; Francois Valentyn, *Oud en nieuw Oost Indien*. 8 vols in 5 tomes (Amsterdam, 1726). vol. v. p. 277; and P. P. Bushev, *Posol'stvo Artemiya Volynskogo v Iran v 1715-1718 gg.* (Moscow. 1978). p. 119.

<sup>۲</sup> Du Mans, 'Estats de 1660', vol. II. pp. 78, 267; De Bruyn. *Reizen over Moskovie*. pp. 102-3.

<sup>۳</sup> Fryer. *A New Account of East India and Persia*, vol. II. p. 259.

این قانون می‌بایست در دوره شاه سلیمان وضع شده باشد؛ زیرا طبق روایت تاورنیه، مسیحیان در اینکه اجازه داشتند بر اسب‌های شل انداخته اشرافی سوار شوند، بر دیگر غیر مسلمانان برتری داشتند. ن.ک:

Tavernier. *Les six voyages*. vol. I. p. 468.

<sup>۴</sup> T. M, Chevalier Lycklama a Nijeholt, *Voyage en Russie. au Caucase et en Pese*, 4 vols (Paris and Amsterdam, 1873). vol. II. p. 244.

فارسی چوب که برگردان آن به انگلیسی تحت عنوان «چیوک» بیان شده است.<sup>۱</sup> به مرور زمان، اغنیا به استفاده از چپق‌های کاملاً تزئین‌شده با نقره حکاکی شده، روی آوردند، در حالی که مردم سطح پایین‌تر، از چپق‌های چوبی ساده استفاده می‌کردند. فقرا معمولاً چپق‌های شکسته را سر هم و تعمیر می‌کردند.<sup>۲</sup>

برخلاف وضعیت اکثر نخستین جوامع مدرن غربی، به نظر نمی‌رسد در ایران عصر صفوی، تمایز جنسیتی آشکاری در خصوص استعمال تنباکو وجود داشته باشد. آثار مکتوب و تصاویر معاصر، حاکی از استعمال تنباکو توسط مردان و زنان است.<sup>۳</sup> آن‌گونه که یک شاهد می‌نویسد: «همه مردم، مرد و زن، روز و شب، بدون تمایز و مشتاقانه تنباکو می‌کشیدند.»<sup>۴</sup> این صرفاً مکان بود که باعث جدایی جنسیت‌ها از یکدیگر می‌شد. در حالی که مردها از کشیدن چپق در قهوه‌خانه‌های متعددی که به شکل ناگهانی در مراکز شهری صفویه سر برآوردند، لذت می‌بردند، زنان به ندرت جرأت می‌کردند بیرون بروند؛ بنابراین در خلوت به این کار می‌پرداختند.

نوع متفاوتی از همگرایی و همگونی، شامل آداب اجتماعی رایج آن زمان و سنت‌ها و مراسم آئینی می‌شد. از همان ابتدا، استعمال تنباکو در ایران صرفاً سرگرمی و اعتیاد نبود، بلکه عاداتی شد که به طور تنگاتنگی با مهمان‌نوازی و خوش‌مشربی همراه گردید. یک شاهد قرن هفدهم اظهار می‌دارد با آنکه ایرانیان تنباکو را به شیوه معمول ترکان، استعمال می‌کردند، آن را با تشریفات بیشتری در هم آمیخته بودند.<sup>۵</sup> بخشی از این

<sup>۱</sup> پورداوود، هرمزنامه، ص ۲۰۵.

<sup>۲</sup> Tavernier, *Les six voyages*. vol. I. p. 675

<sup>۳</sup> Kaempfer, *Die Reisetagebucher Engelbert Kaempfers*. p.79: Du Mans. 'Estats de 1660', vol. II, p. 104. Illustrations in *Treasures of Islam* (London. 1985). p. 119; and J.M. Rogers, ed. and trans.. *The Topkapi Saray Museum: The Albums and Illustrated Manuscripts* (London. 1986), pp. 124. 182.

<sup>۴</sup> Bedik. *Chehil sutun*, p. 286.

<sup>۵</sup> Pouillet. *Nouvelles relations du Levant*. vol. II. pp. 327-8.

موضوع، ناشی از سنت پابرجای مهمان‌نوازی و خوش‌مشربی در ایران است، مضاف بر اینکه قلیان، وسیله مناسبی برای دور هم جمع شدن بود. در نتیجه، تنباکو به نمادی از وقار اجتماعی تبدیل شد. بسیاری از سیاحان خارجی، خاطر نشان می‌سازند که به محض ورود مهمان به خانه یک ایرانی، به او قلیان و قهوه یا چای تقدیم می‌شد.<sup>۱</sup> جان فرایر خاطر نشان می‌سازد که تنباکو، دوست و همدم معمول است، و اگر بخواهیم منصف باشیم، ایرانی‌ها مصاحبان خوبی هستند و وقتی سر شراکت در قلیان پیش می‌آید، از دیگران مضایقه نمی‌کنند.<sup>۲</sup> ناظران، در دوره قاجار بیشتر به تشریفات استعمال تنباکو در ایران به عنوان سرگرمی‌ای که با منزلت اجتماعی و سلسله مراتب اجتماعی مرتبط بود، توجه کرده‌اند. س.ج.و. بنجامین (S.G.W. Benjamin)، نخستین سفیر آمریکا در ایران، به سال ۱۸۸۲-۳م مثال خوبی در این زمینه ارائه می‌کند:

اگر فردی بر همه حضار در مجلس، برتری داشته باشد، تنها یک چپق آورده و به دست او داده می‌شود. او به ظاهر پیش از کشیدن چپق، آن را به نوبت به همه حضاران تعارف می‌کند، اما وای به حال کسی که پیش از آنکه شخص برتر، چپق کشیده باشد، با بی‌پروایی آن را بپذیرد؛ زیرا در این صورت، او مجبور است تحقیر ملامت‌باری را که در خور یک اشراف‌زاده ایرانی نیست، تحمل کند. مستوفی‌الممالک، بالاترین صاحب‌منصب در ایران بعد از شاه، به مدت چهل سال قلیان نکشید. او علیه تنباکو تصمیم جدی اتخاذ کرد؛ زیرا در دوران جوانی‌اش و در مراسمی با حضور وی، قلیان پیش از آنکه به او تعارف شود، به فردی از طبقه پایین‌تر داده شد. وقتی قلیان به او تعارف شد، آن را به

<sup>۱</sup> Du Mans, 'Estats de 1660', vol. II. pp. 75- 81: Tavernier, *Les six voyages*. vol. I. p. 714; De Bruyn. *Reizen over Moskovie*. p. 172.

<sup>۲</sup> Fryer. *A New Account of East India and Persia*, vol. II. p. 210.

### تنباکو در ایران ۱۸۳

کناری پرتاب کرد، و قسم خورد که هرگز دوباره قلیان نکشد، تا دوباره در معرض چنین اهانتهی قرار نگیرد.<sup>۱</sup>

قلیان تا قرن بیستم محبوبیت خود را در ایران حفظ کرد، سپس به تدریج مورد بی‌مهری قرار گرفت و جای خود را به سیگار داد. سیگار نخستین بار در اواخر قرن نوزدهم مورد استفاده قرار گرفت و در آغاز، ژستی برای افراد با فرهنگ بود.<sup>۲</sup> با این حال، کشیدن سیگار بزودی گسترش یافت و تا سال ۱۸۹۰م امکان مشاهده تاجری معمولی در بازار تهران با سیگاری بر لب وجود داشت. در آن زمان، شرکت‌های روسی نیز کارخانه‌های صنعتی تولید سیگار را در گیلان در ساحل دریای خزر افتتاح کرده بودند.<sup>۳</sup> در دوران جدید تقریباً تمام تنباکویی که در ایران کشت می‌شد، به تولید سیگار اختصاص یافت، و تا دهه ۱۹۶۰م دو کارخانه بزرگ داخلی، سالانه ده میلیارد نخ سیگار تولید می‌کردند.<sup>۴</sup> سیگارهای خارجی، مهم‌تر از همه وینستون، تا به امروز جزو عالی‌ترین مارک‌ها بوده و باقی مانده‌اند.

### مقاومت: انتقاد، تحریم و تسلیم

تنباکو در مرحله اولیه رواجش در خاورمیانه، همچون سایر نقاط جهان، توجه جامعه پزشکی را برانگیخت و باعث مذمت اخلاقی از سوی روحانیون گردید و موجبات نگرانی

<sup>۱</sup> Michael Glunz, 'Das Vorspiel zur Revolution: Der iranische Tabakboykott von 1891/92 und der historische Kontext des Rauchens in Iran'. in Hengartner and Merki, *Tabakfragen*, p. 148, quoting Samuel Greene Wheeler Benjamin, *Persia and the Persians* (Boston, MA, 1887), p. 103.

<sup>۲</sup> C. J. Wills, *In the Land of the Lion and the Sun or Modern Persia* (London, 1883). p. 29.

<sup>۳</sup> Harry de Windt, *A Ride to India across Persia and Baluchistan* (London, 1891). pp. 46, 86.

<sup>۴</sup> مهندس محمد صادق انصاری، «صنعت توتون در ایران»، کاوه، ش ۴، (مونیخ ۱۳۴۵ شمسی، ۱۹۶۶م)، ص ۱۷۸.

اقتصادی دیوان سالاران را فراهم آورد. پزشکان مسلمان همانند همتایان غربی خود، در مورد تأثیر استعمال تنباکو بر سلامت جسمی، به بحث و بررسی پرداختند. اختلاف نظر در مورد اثرات مطرح شده استعمال تنباکو بر بدن بود. تنباکو به عنوان ماده‌ای ظاهراً گرم و خشک، برای افراد دارای طبع مرطوب، مفید بود؛ هر چند برخی بر این باور بودند که تنباکو حافظه را تضعیف می‌کند.<sup>۱</sup> همانند باورهای اروپایی، تصوّر می‌شد که استعمال تنباکو، طاعون را دفع می‌کند.<sup>۲</sup> با وجود این، در مجموع، تنباکو هرگز در سرزمین‌های اسلامی آن وجهه دارویی را که در اروپای مدرن اولیه داشت، به دست نیاورد.

از سوی دیگر، علمای مسلمان، نگرانی عمیق خود را از تأثیرات بالقوه مضر این ماده نوظهور بر دینداری و اخلاق، ابراز داشتند. عدم امکان در یافتن نص صریح قرآنی در مورد تنباکو، باعث شد که آنها به استدلال قیاسی متوسّل شوند تا مشخص کنند که آیا استعمال تنباکو می‌بایست جایز شمرده شود یا تحریم گردد. از آنجا که تنباکو به هیچ یک از مصادیق حرام که در قرآن و احادیث پیامبر(ص) به آنها اشاره شده، شباهت نداشت، تحریم آن، کار ساده‌ای نبود. اثبات اینکه تنباکو فی‌نفسه برای سلامت شخص مفید یا مضر است نیز آسان نبود. یک دلیل ممنوعیت تنباکو، همسان پنداری آن با مفاسدی بود که آیه ۱۵۷ سوره اعراف آنها را ممنوع اعلام می‌کند و مرتبط کردن آن به اجتناب از هواهای شیطانی (نهی از منکر) بود که در آیه ۱۰۴ سوره آل عمران آمده است. همچنین طبق حدیثی، پیامبر(ص) از بوهای مطبوع لذّت می‌برده و مطمئناً از بوی نامطبوع تنباکو بیزار بوده‌اند.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> K. Seligmann, Ueber drey hochst seltene Persische Handschriften (Vienna, 1833), p. 41.

<sup>۲</sup> خراسانی، مخزن‌الدویه، ص ۲۷۵.

<sup>۳</sup> Felix Klein-Franke, 'No Smoking in Paradise: The Habit of Tobacco Smoking Judged by Muslim Law', *Le Muséon*, CVI (1993), pp. 155-83.

تنباکو در دنیای تشیع نیز الهام‌بخش مباحث مشابهی بود. تعدادی از متکلمان ایرانی، رسالاتی نوشتند که دربارهٔ وضعیت مذهبی استعمال تنباکو بحث می‌کرد و فواید تندرستی بالقوه‌ای را بررسی می‌کرد که از سوی برخی پزشکان در مقابل مخالفت‌های مذهبی موّجه نسبت به تنباکو ابراز می‌شد. مباحث موافق یا مخالف تنباکو، اغلب در فضای مجادله میان نمایندگان سنت که تنباکو را نفی می‌کردند و اعضای طریقت تصوّف که آن را استعمال می‌کردند، ایجاد شد. به نظر می‌رسد در ایران، اکثر کسانی که علناً مخالفت خود را علیه این عادت ابراز می‌کردند پیرو اخباریون، مکتب فکری کلامی بودند که بسیار به احادیث پیامبر(ص) و امامان شیعه (ع) اتکا می‌کردند.<sup>۱</sup> به دنبال مخالفت علمای دین، مقامات صفوی احکامی راجع به ممنوعیت استعمال تنباکو صادر کردند. حاکمان مسلمان تمایل داشتند که تمهیدات بازدارنده‌ای به منزلهٔ بازگشت به ایمان راستین ارائه دهند و بیان نمایند. هر چند اشتباه است که این هدف متعالی را آن‌گونه که هست بپذیریم؛ زیرا انگیزه‌های واقعی، معمولاً فراتر از ملاحظات صرف دینداری بوده است. حاکمان صفوی در اهتمام خود برای کاهش استعمال تنباکو، بیش از صداقت دینی، نگران منافع خزانه بودند. شاه عباس اوّل بعد از بررسی عادات اسراف‌کارانهٔ سربازانش، استعمال تنباکو را ممنوع کرد، اما نوه و جانشینش، شاه صفی (۴۲-۱۶۲۹م)، ممنوعیت استعمال تنباکو را کمی بعد از به دست گرفتن قدرت در سال ۱۶۲۹م به عنوان بخشی از مجموعه تمهیداتی که جهت ایجاد مشروعیت و خشنودی مردم کشور در نظر گرفته شده بود، لغو کرد.<sup>۲</sup> مشهور است که همین حاکم، طیّ دوران حکومتش

<sup>۱</sup> رسول جعفریان، *علل برافتادن صفویان*، تهران: ۱۳۷۲ شمسی، ص ۳۵۲؛ فهرستی از رساله‌های ضد استعمال تنباکو شیعی در کتاب آقا بزرگ تهرانی، *الذریعه علی تصانیف الشیعه*، نجف، ۱۳۷۸ شمسی، ج ۱۱، صص ۵-۱۷۳ و رسول جعفریان، *صفویان در عرصه دین، فرهنگ و سیاست*، قم، ۱۳۷۹ شمسی، ۳/ ۱۱۴۵.

<sup>۲</sup> برای الغای ممنوعیت، ر.ک: محمد معصوم بن خواجگی اصفهانی، *خلاصه السیر: تاریخ روزگار شاه صفی*، تهران: ۱۳۶۸ شمسی، ص ۳۹. ابوالحسن قزوینی، *فوائد الصّفویه*، تصحیح مریم میراحمدی، تهران: ۱۳۶۷ شمسی، ص ۴۸.

چندین بار به دلایل نامعلوم، استعمال تنباکو را ممنوع کرده، اما هر بار تأثیر آن بسیار کم و اقدامی موقتی بوده است.<sup>۱</sup>

لکن نکوهش و ممنوعیت نتوانست رواج و توسعه این گیاه دارویی را متوقف کند. حتی مقامات روحانی، دریافتند که مخالفت با تنباکو، کار ماندگاری نیست. همان طور که یکی از آنان در اواخر دوره صفوی بیان می‌کند: «قلیان چنان در شرق و غرب شناخته شده است که کنار گذاشتن آن دیگر ممکن نیست. در زمان‌های گذشته حاکمی مصرف تنباکو را در همه جا ممنوع کرده و مصرف‌کنندگان را اعدام می‌کرد و به راستی مردم به خاطر آن کشته می‌شدند، اما همه این اقدامات، بی‌فایده بود.»<sup>۲</sup> این مطلب احتمالاً اشاره به شاه عباس اول است که گویا از سرپیچی عده‌ای از فرمان خود مطلع گردید، اما در نهایت، مجبور شد که تسلیم شور و هیجان مردم شود و اجازه داد که تنباکو آشکارا کشت گردد.<sup>۳</sup> بی‌شک قوی‌ترین انگیزه برای اغماض، از سوی شخصیت‌های مقتدری برمی‌خاست که خود مقهور این عادت شده بودند. بهترین نمونه در این زمینه، محمدباقر مجلسی (متوفی ۱۶۹۹م)، متکلم اخباری و صوفی‌ستیز صریح‌اللهجه و متنفذ است که به عنوان شیخ‌الاسلام اصفهان، برجسته‌ترین روحانی زمان خود بود. او کسی بود که استعمال تنباکو را جایز شمرد. وی همانند بسیاری از کسانی که تنباکو را جایز شمردند، همچون پدرش، محمدتقی مجلسی، تنباکو را با شوق وافر استعمال می‌کرد. درباره پدرش این طور گفته شده است که او حتی استعمال تنباکو را هنگام روزه مستحبی جایز شمرد و فقط جهت اجتناب از مشاجره، از استعمال تنباکو در حین روزه واجب خودداری می‌کرد.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> Tavernier. *Les six voyages*, vol. I, p. 599.

<sup>۲</sup> عبدالحی رضوی کاشانی، «حدیقه الشیعه»، در: رسول جعفریان، دین و سیاست در دوره صفوی، قم: ۱۳۷۰ شمسی، ص ۳۵۰.

<sup>۳</sup> Ange de St joseph, *Souvenirs de la Perse*, pp. 102-5.

<sup>۴</sup> Heinz Pampus, 'Die theologische Enzyklopadie Bihār al Anwār des Muhammad→

انگیزه دیگر برای جایز دانستن و یا حتی ترغیب به استعمال تنباکو، درآمد مالیاتی بود که از این طریق حاصل می‌شد. تاورنیه خاطر نشان می‌کند که ممنوعیت‌ها هرگز مدت زیادی به طول نمی‌انجامید، چرا که ممنوعیت فروش و استفاده از تنباکو برای شاه، هزینه زیادی در بر داشت. اصفهان به تنهایی سالانه چهل هزار تومان از طریق مالیات تنباکو به دست می‌آورد، در حالی که تبریز بیست هزار تومان و شیراز ده هزار تومان از این طریق درآمد داشت، که منابع هنگفتی به ارزش تقریبی ششصد هزار تومان عاید دولت می‌کرد.<sup>۱</sup> عوامل دیگری که مؤید مشارکت دولت در تجارت و مصرف آن می‌شد، حمایت دولت از «پول تنباکو» و مالیات سنگینی بود که بر تنباکو وضع می‌شد.<sup>۲</sup>

از نیمه قرن نوزدهم تا اواخر آن، تنباکو یکی از محصولات صادراتی عمده ایران شده بود که به هند، امپراتوری عثمانی و روسیه فرستاده می‌شد. تا سال ۱۸۷۸ م کل محصول به حدود یک میلیون کیلوگرم افزایش یافته بود.<sup>۳</sup> بنابراین تعجب‌آور نیست که حکومت قاجار تلاش کرد این محصول سودآور را تحت نظارت بیشتر حکومت مرکزی درآورد. در سال ۱۸۸۶ م ناصرالدین‌شاه، حکم سلطنتی (فرمان) صادر کرد که در قالب نگرانی حکومت برای کاهش اثرات منفی استعمال تنباکو بر بدن و مغز، در صدد بود کشت و مصرف تنباکو را تحت نظارت دولت درآورد.<sup>۴</sup> گرچه این فرمان به سرعت ملغی گردید، اما مقدمه واگذاری امتیاز معروف تنباکو بود که شاه در سال ۱۸۹۰ م به تالبوت (Talbot)

← Bāqir al-Maglisi (1037-1110 Sh./1627-99 CE): Ein Beitrag zur Literaturgeschichte der Si'da in der Safawidenzeit. inaugural dissertation, Friedrich Wilhelm Universität, Bonn, 1970, p. 45.

<sup>۱</sup> Tavernier, *Les Six Voyages*, vol. I. p. 599.

<sup>۲</sup> Du Mans, 'Estats de 1660', vol. II. p. 106: Fryer. *A New Account of East India and Persia*. Vol. III. p. 7.

<sup>۳</sup> Public Record Office, London. FO60/482. Arthur Herbert, Report on the Present State of Persia. May 1886, fo1, 143.

<sup>۴</sup> Public Record Office, London. FO60/480. enclosure in Nicholson, *Tehran to London*, Oct, 23. 1886. fols 199-202.

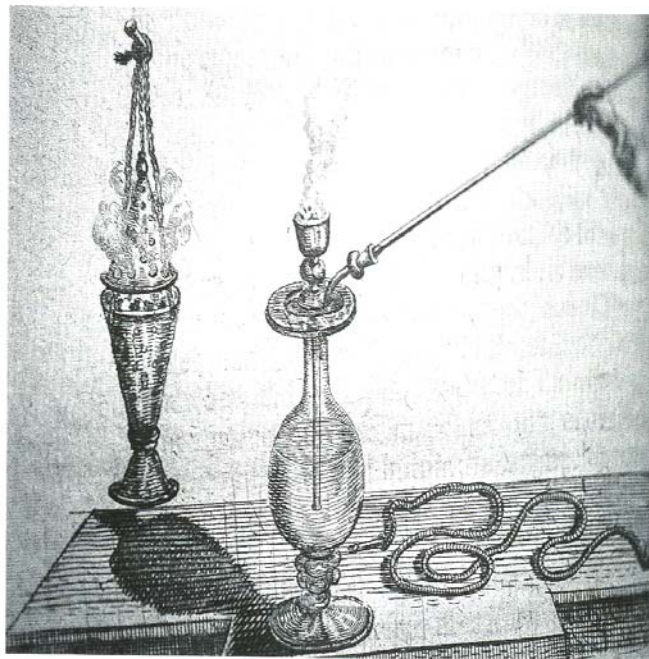
مشهور بریتانیایی اعطا کرد که شرکتش حق فروش، توزیع و صادرات تمام تنباکوی ایران را به دست آورد.

این امتیاز، خشم مردم را نسبت به کوتاهی و بی‌کفایتی دیرینه دولت در بهره‌برداری از منابع ملی برانگیخت که منجر به قیام مشهور تنباکو در سال ۲- ۱۸۹۱م شد. نمایندگان روسیه در ایران، مخالفت خود را نسبت به این امتیاز ابراز کردند و تجار ایرانی تنباکو نیز به سرعت در برابر آن مقاومت کردند، اما این علمای برجسته (رهبران دینی) بودند که این مخالفت را به روش ایدئولوژیک با صدور فتوایی در ممنوعیت مذهبی معامله و استعمال تنباکو به صراحت بیان کردند. تحریمی که به دنبال صدور این حکم پدید آمد، بسیار موفق بود؛ حتی زنان حرم شاهی از استعمال تنباکو خودداری کردند، تا جایی که شاه مجبور به لغو امتیاز مذکور شد.<sup>۱</sup>

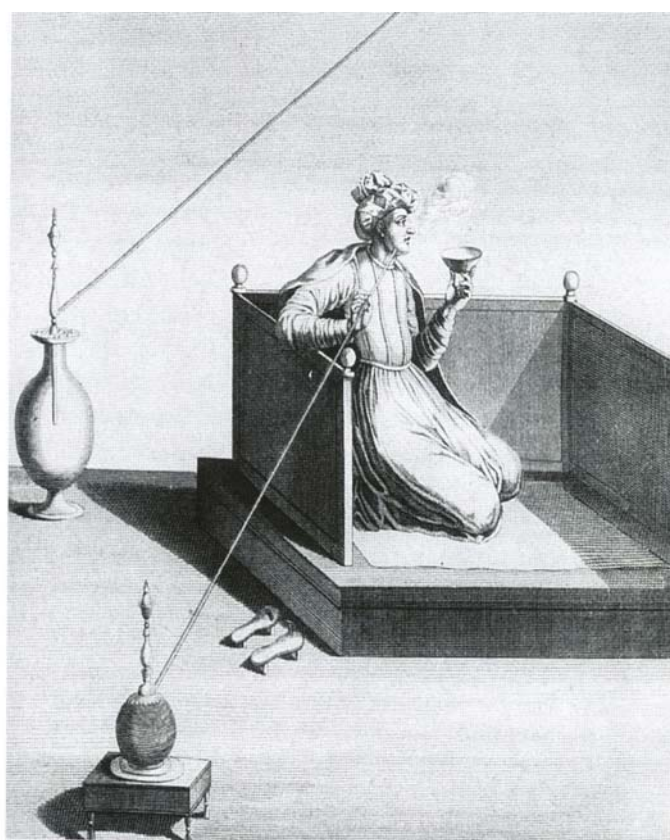
تا قرن نوزدهم، تنباکو به سبب محبوبیت فوق‌العاده‌اش به صورتی پایدار در بافت اجتماعی ایران تحکیم شده بود. تنباکو به عنوان محصول مصرفی ملی از میان طبقات اجتماعی و تمایزات جنسی عبور کرد، در حالی که تشریفات و لوازمی که مستلزم استعمال تنباکو بودند، همان دسته‌بندی‌ها را تقویت می‌کردند. اهمیت اقتصادی تنباکو و این واقعیت که بهترین نوع تنباکو در ایران کشت می‌شد، به تنباکو و استعمال آن، بُعد «ملی» داد. امتیاز تنباکو احساسات ایرانیانی که به مدت طولانی با تعصب، آرمان خودکفایی اقتصادی را گرامی می‌داشتند و ورود کالاها به ایران عصر صفوی را با سوءظن می‌نگریستند، تحریک کرد.

<sup>۱</sup> Nikki R. Keddie, *Religion and Rebellion in Iran: The Iranian Tobacco Protest of 1891-1892* (London, 1966), and Ann K. S. Lambton, 'The Tobacco Régie: Prelude to Revolution', *Studia Islamica*, XXII, (1966), pp. 71-90.

و شیخ حسن اصفهانی کربلایی، تاریخ دخانیات، تصحیح رسول جعفریان، (تهران: ۱۳۷۷ش/۱۹۹۸م).



Seventeenth-century water pipes, from Engelbert Kaempfer's *Amoenitatum Exoticarum politico-physico-mediciarum*, fac. v (Lemgo, 1712).



Water pipes with long stems, used by clerics, from Jean Chardin, *Voyages du chevalier Chardin, en Perse et autres lieux de l'Orient*, 10 vols (Paris, 1810-11).



A girl smoking, Muhammad Qasim, Isfahan, 17th century.



A group of men smoking.